

# کتاب زکریای نبی

۱ در ماه هشتم از سال دوم داریوش، کلام *خداوند* بر زکریا ابن برکیا ابن عدوی نبی نازل شده، گفت: <sup>۲</sup> «*خداوند* بر پدران شما بسیار غضبناک بود. <sup>۳</sup> پس به ایشان بگو: یهوه صبايوت چنین می گوید بسوی من بازگشت کنید. قول یهوه صبايوت این است. و یهوه صبايوت می گوید: من به سوی شما رجوع خواهم نمود. <sup>۴</sup> شما مثل پدران خود م باشید که انبیا سلف ایشان را ندا کرده، گفتند یهوه صبايوت چنین می گوید از راههای زشت خود و از اعمال بد خویش بازگشت نمایید، اما *خداوند* می گوید که ایشان نشنیدند و به من گوش ندادند. <sup>۵</sup> پدران شما کجا هستید و آیا انبیا همیشه زنده می مانند؟ <sup>۶</sup> لیکن کلام و فرایض من که به بندگان خود انبیا امر فرموده بودم، آیا پدران شما را در نگرفت؟ و چون ایشان بازگشت نمودند، گفتند چنانکه یهوه صبايوت قصد نمود که موافق راهها و اعمال ما به ما عمل نماید همچنان به ما عمل نموده است.»

<sup>۷</sup> در روز بیست و چهارم ماه یازدهم که ماه شباط باشد، از سال دوم داریوش، کلام *خداوند* بر زکریا ابن برکیا ابن عدوی نبی نازل شده، گفت: <sup>۸</sup> در وقت شب دیدم که اینک مردی بر اسب سرخ سوار بود و در میان درختان آس که در وادی بود ایستاده و در عقب او اسبان سرخ و زرد و سفید بود. <sup>۹</sup> و گفتم: «ای آقای اینها چیستند؟» و فرشته ای که با من تکلم می نمود، مرا گفت: «من تو را نشان می دهم که اینها چیستند.»

<sup>۱۰</sup> پس آن مرد که در میان درختان آس ایستاده بود، جواب داد و گفت: «اینها کسانی می باشند که *خداوند* ایشان را برای تردد نمودن در جهان فرستاده است.» <sup>۱۱</sup> و ایشان به فرشته *خداوند* که در میان درختان آس ایستاده بود جواب داده، گفتند: «ما در جهان تردد نموده ایم و اینک تمامی جهان مستریح و آرام است.» <sup>۱۲</sup> و فرشته *خداوند* جواب داده، گفت: «ای یهوه صبايوت تا به کی بر اورشلیم و شهرهای یهودا که در این هفتاد سال غضبناک می بودی رحمت نخواهی نمود؟» <sup>۱۳</sup> و *خداوند* با سخنان نیکو و کلام تسلی آمیز آن فرشته ای را که با من تکلم می نمود جواب داد.

<sup>۱۴</sup> پس فرشته‌ای که با من تکلم می‌نمود مرا گفت: «ندا کرده بگو یهوه صبايوت چنین می‌گوید: در باره اورشلیم و صهیون غیرت عظیمی داشتم.<sup>۱۵</sup> و برامت‌های مطمئن سخت غضبناک شدم زیرا که اندک غضبناک می‌بودم لیکن ایشان بلا را زیاد کردند.<sup>۱۶</sup> بنابراین خداوند چنین می‌گوید: به اورشلیم با رحمت‌ها رجوع خواهم نمود و خانه من در آن بنا خواهد شد. قول یهوه صبايوت این است و ریسمانکاری بر اورشلیم کشیده خواهد شد.<sup>۱۷</sup> بار دیگر ندا کرده، بگو که یهوه صبايوت چنین می‌گوید: شهرهای من بار دیگر به سعادت‌مندی لبریز خواهد شد و خداوند صهیون را باز تسلی خواهد داد و اورشلیم را بار دیگر خواهد برگزید.»

<sup>۱۸</sup> پس چشمان خود را برافراشته، نگرستم و اینک چهار شاخ بود.<sup>۱۹</sup> و به فرشته‌ای که با من تکلم می‌نمود گفتم: «اینها چیستند؟» او مرا گفت: «اینها شاخها می‌باشند که یهودا و اسرائیل و اورشلیم را پراکنده ساخته‌اند.»<sup>۲۰</sup> و خداوند چهار آهنگر به من نشان داد.<sup>۲۱</sup> و گفتم: «اینان برای چه کار می‌آیند؟» او در جواب گفت: «آنها شاخها می‌باشند که یهودا را چنان پراکنده نموده‌اند که احدی سر خود را بلند نمی‌تواند کرد. و اینها می‌آیند تا آنها را بترسانند و شاخهای امت‌هایی را که شاخ خود را بر زمین یهودا برافراشته، آن را پراکنده ساخته‌اند بیرون افکنند.»

**۲** و چشمان خود را برافراشته، نگرستم و مردی که ریسمانکاری به دست خود داشت دیدم.<sup>۲</sup> و گفتم که «کجا می‌روی؟» او مرا گفت: «به جهت پیمودن اورشلیم تا بینم عرضش چه و طولش چه می‌باشد.»

<sup>۳</sup> و اینک فرشته‌ای که با من تکلم می‌نمود بیرون رفت و فرشته دیگر برای ملاقات وی بیرون آمده،<sup>۴</sup> وی را گفت: «بشتاب و این جوان را خطاب کرده، بگو: اورشلیم به سبب کثرت مردمان و بهایمی که در اندرونش خواهند بود، مثل دهات بی‌حصار مسکون خواهد شد.<sup>۵</sup> و خداوند می‌گوید که من به اطرافش دیواری آتشین خواهم بود و در اندرونش جلال خواهم بود. هان هان خداوند می‌گوید از زمین شمال بگریزید زیرا که شما را مثل چهار باد آسمان پراکنده ساخته‌ام. قول خداوند این است.<sup>۶</sup> هان ای صهیون که با دختر بابل ساکن هستی، خویشتن را

رستگار ساز. <sup>۸</sup> زیرا یهوه صبايوت که مرا بعد از جلال نزد امت‌هایی که شما را غارت کردند فرستاده است، چنین می‌گوید که هر که شما را لمس نماید مردمک چشم او را لمس نموده است. <sup>۹</sup> «زیرا اینک من دست خود را بر ایشان خواهم افشانم و ایشان غارت بندگان خودشان خواهند شد و شما خواهید دانست که یهوه صبايوت مرا فرستاده است. <sup>۱۰</sup> ای دختر صهیون ترنم نما و شادی کن زیرا *خد/وند* می‌گوید که اینک می‌آیم و در میان تو ساکن خواهم شد. <sup>۱۱</sup> و در آن روز امت‌های بسیار به *خد/وند* ملصق شده، قوم من خواهند شد و من در میان تو سکنی خواهم گرفت و خواهی دانست که یهوه صبايوت مرا نزد تو فرستاده است. <sup>۱۲</sup> و *خد/وند* یهودا را در زمین مقدس برای ملک خود به تصرف خواهد آورد و اورشلیم را بار دیگر خواهد برگزید. <sup>۱۳</sup> ای تمامی بشر به حضور *خد/وند* خاموش باشید زیرا که او از مسکن مقدس خود برخاسته است.»

## ۳

و یهوشع رئیس کهنه را به من نشان داد که به حضور فرشته *خد/وند* ایستاده بود و شیطان به دست راست وی ایستاده، تا با او مخاصمه نماید. <sup>۲</sup> و *خد/وند* به شیطان گفت: «ای شیطان *خد/وند* تو را نهیب نماید! *خد/وند* که اورشلیم را برگزیده است تو را نهیب نماید. آیا این نیم‌سوزی نیست که از میان آتش ربوده شده است؟» <sup>۳</sup> و یهوشع به لباس پلید ملبس بود و به حضور فرشته ایستاده بود. <sup>۴</sup> و آنانی را که به حضور وی ایستاده بودند خطاب کرده، گفت: «لباس پلید را از برش بیرون کنید.» و او را گفت: «بین عصیان را از تو بیرون کردم و لباس فاخر به تو پوشانیدم.» <sup>۵</sup> و من گفتم که عمامه طاهر بر سرش بگذارند. پس عمامه طاهر بر سرش گذاردند و او را به لباس پوشانیدند و فرشته *خد/وند* ایستاده بود.

و فرشته *خد/وند* یهوشع را اعلام نموده، گفت: <sup>۷</sup> «یهوه صبايوت چنین می‌فرماید: اگر به طریق‌های من سلوک نمایی و ودیعت مرا نگاه داری تو نیز خانه مرا داوری خواهی نمود و صحن‌های مرا محافظت خواهی کرد و تو را در میان آنانی که نزد من می‌ایستند بار خواهم داد. <sup>۸</sup> پس ای یهوشع رئیس کهنه بشنو تو و رفقاییت که به حضور تو می‌نشینند، زیرا که ایشان مردان علامت هستند. (بشنوید) زیرا که اینک من بنده خود شاخه را خواهم آورد. <sup>۹</sup> و همانا آن سنگی که به حضور یهوشع می‌گذارم، بر یک سنگ هفت چشم می‌باشد. اینک یهوه صبايوت می‌گوید که من

نقش آن را رقم خواهم کرد و عصیان این زمین را در یک روز رفع خواهم نمود.<sup>۱۰</sup> و یهوه صبايوت می‌گوید که هر کدام از شما همسایه خود را زیر مو و زیر انجیر خویش دعوت خواهید نمود.»

**۴** و فرشته‌ای که با من تکلم می‌نمود، برگشته، مرا مثل شخصی که از خواب بیدار شود بیدار کرد،<sup>۲</sup> و به من گفت: «چه چیز می‌بینی؟» گفتم: «نظر کردم و اینک شمعدانی که تمامش طلاست و روغندانش بر سرش و هفت چراغش بر آن است و هر چراغ که بر سرش می‌باشد هفت لوله دارد.<sup>۳</sup> و به پهلوئی آن دو درخت زیتون که یکی بطرف راست روغندان و دیگری بطرف چپش می‌باشد.»

و من توجه نموده، فرشته‌ای را که با من تکلم می‌نمود خطاب کرده، گفتم: «ای آقایم اینها چه می‌باشد؟»<sup>۵</sup> و فرشته‌ای که با من تکلم می‌نمود مرا جواب داد و گفت: «آیا نمی‌دانی که اینها چیست؟» گفتم: «نه ای آقایم.»

او در جواب من گفت: «این است کلامی که خداوند به زربابل می‌گوید: نه به قدرت و نه به قوت بلکه به روح من. قول یهوه صبايوت این است.<sup>۷</sup> ای کوه بزرگ تو چیستی؟ در حضور زربابل به همواری مبدل خواهی شد و سنگ سر آن را بیرون خواهد آورد و صدا خواهند زد فیض فیض بر آن باشد.»

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفتم:<sup>۹</sup> «دستهای زربابل این خانه را بنیاد نهاد و دستهای وی آن را تمام خواهد کرد و خواهی دانست که یهوه صبايوت مرا نزد شما فرستاده است.<sup>۱۰</sup> زیرا کیست که روز امور کوچک را خوار شمارد زیرا که این هفت مسرور خواهند شد چینی که شاقول را در دست زربابل می‌بینند. و اینها چشمان خداوند هستند که در تمامی جهان تردد می‌نمایند.»

<sup>۱۱</sup> پس من او را خطاب کرده، گفتم: «این دو درخت زیتون که بطرف راست و بطرف چپ شمعدان هستند چه می‌باشند؟»

<sup>۱۲</sup> و بار دیگر او را خطاب کرده، گفتم که «این دو شاخه زیتون به پهلوی دو لوله زرینی که روغن طلا را از خود می‌ریزد چیستند؟»

<sup>۱۳</sup> او مرا جواب داد، گفت: «آیا نمی‌دانی که اینها چیستند؟» گفتم: «نه ای آقایم.»

<sup>۱۴</sup> گفت: «اینها پسران روغن زیت می‌باشند که نزد مالک تمامی جهان می‌ایستند.»

**۵** و باز چشمان خود را برافراشته، نگریستم و طوماری پران دیدم. <sup>۲</sup> و او مرا گفت: «چه چیز می‌بینی؟» گفتم: «طوماری پران می‌بینم که طولش بیست ذراع و عرضش ده ذراع می‌باشد.» <sup>۳</sup> او مرا گفت: «این است آن لعنتی که بر روی تمامی جهان بیرون می‌رود، زیرا که از این طرف هر دزد موافق آن منقطع خواهد شد و از آن طرف هر که سوگند خورد موافق آن منقطع خواهد گردید. <sup>۴</sup> یهوه صباپوت می‌گوید: من آن را بیرون خواهم فرستاد و به خانه دزد و به خانه هر که به اسم من قسم دروغ خورد داخل خواهد شد و در میان خانه‌اش نزیل شده، آن را با چوبهایش و سنگهایش منهدم خواهد ساخت.»

<sup>۵</sup> پس فرشته‌ای که با من تکلم می‌نمود بیرون آمده، مرا گفت: «چشمان خود را برافراشته بین که اینک بیرون می‌رود چیست؟»

گفتم: «این چیست؟» او جواب داد: «این است آن ایفایی که بیرون می‌رود و گفت نمایش ایشان در تمامی جهان این است.»

<sup>۷</sup> و اینک وزنه‌ای از سرب برداشته شد. و زنی در میان ایفا نشسته بود. <sup>۸</sup> و او گفت: «این شرارت است.» پس وی را در میان ایفا انداخت و آن سنگ سرب را بر دهنه‌اش نهاد. <sup>۹</sup> پس چشمان خود را برافراشته، نگریستم و اینک دو زن بیرون آمدند و باد در بالهای ایشان بود و بالهای ایشان مثل بالهای لقلق بود و ایفا را به میان زمین و آسمان برداشتند.

<sup>۱۰</sup> پس به فرشته‌ای که با من تکلم می‌نمود گفتم: «اینها ایفا را کجا می‌برند؟»

<sup>۱۱</sup> او مرا جواب داد: «تا خانه‌ای در زمین شنعار برای وی بنا نمایند و چون آن مهیا شود آنگاه او در آنجا بر پایه خود بر قرار خواهد شد.»

۶ و بار دیگر چشمان خود را برافراشته، نگریستم و اینک چهار ارابه از میان دو

کوه بیرون می‌رفت و کوهها کوههای مسین بود. <sup>۲</sup> در ارابه اول اسبان سرخ و در ارابه دوم اسبان سیاه، <sup>۳</sup> و در ارابه سوم اسبان سفید و در ارابه چهارم اسبان ابلق قوی بود. <sup>۴</sup> و فرشته را که با من تکلم می‌نمود خطاب کرده، گفتم: «ای آقایم اینها چیستند؟» <sup>۵</sup> فرشته در جواب من گفت: «اینها چهار روح افلاک می‌باشند که از ایستادن به حضور مالک تمامی جهان بیرون می‌روند. اما آنکه اسبان سیاه را دارد، اینها بسوی زمین شمال بیرون می‌روند و اسبان سفید در عقب آنها بیرون می‌روند و ابلقها به زمین جنوب بیرون می‌روند.» <sup>۶</sup> و آن اسبان قوی بیرون رفته، آرزو دارند که بروند و در جهان گردش نمایند؛ و او گفت: «بروید و در جهان گردش نمایید.» پس در جهان گردش کردند. <sup>۷</sup> و او به من ندا در داد و مرا خطاب کرده، گفت: «بین آنها بی که به زمین شمال بیرون رفته‌اند، خشم مرا در زمین شمال فرو نشانیدند.»

<sup>۹</sup> و کلام خد/وند به من نازل شده، گفت: <sup>۱۰</sup> «از اسیران یعنی از حلدای و طوبیا و یدعیا که از بابل آمده‌اند بگیر و در همان روز بیا و به خانه یوشیا ابن صفیا داخل شو. <sup>۱۱</sup> پس نقره و طلا بگیر و تاجی ساخته، آن را بر سر یهوشع بن یهوصادق رئیس کهنه بگذار. <sup>۱۲</sup> و او را خطاب کرده، بگو: یهوه صبایوت چنین می‌فرماید و می‌گوید: اینک مردی که به شاخه مسمی است و از مکان خود خواهد رویید و هیکل خد/وند را بنا خواهد نمود. <sup>۱۳</sup> پس او هیکل خد/وند را بنا خواهد نمود و جلال را متحمل خواهد شد و بر کرسی او جلوس نموده، حکمرانی خواهد کرد و بر کرسی او کاهن خواهد بود و مشورت سلامتی در میان هر دو ایشان خواهد بود. <sup>۱۴</sup> و آن تاج برای حالم و طوبیا و یدعیا و حین بن صفیا به جهت یادگاری در هیکل خد/وند خواهد بود. <sup>۱۵</sup> و آنانی که دورند خواهند آمد و در هیکل خد/وند بنا خواهند نمود و خواهید دانست که یهوه صبایوت مرا نزد شما فرستاده است. و اگر قول یهوه خدای خویش را بکلی اطاعت نمایید این واقع خواهد شد.»

و در سال چهارم داریوش پادشاه واقع شد که کلام *خد/وند* در روز چهارم ماه نهم که ماه کسلو باشد بر زکریا نازل شد.<sup>۲</sup> و اهل بیت‌ئیل یعنی شراصر و رجم ملک و کسان ایشان فرستاده بودند تا از *خد/وند* مسألت نمایند.<sup>۳</sup> و به کاهنانی که در خانه یهوه صبايوت بودند و به انبیا تکلم نموده، گفتند: «آیا در ماه پنجم می‌باید که من گریه کنم و زهد ورزم چنانکه در این سالها کردم؟»

پس کلام یهوه صبايوت به من نازل شده، گفت: «تمامی قوم زمین و کاهنان را خطاب کرده، بگو: چون در این هفتاد سال در ماه پنجم و ماه هفتم روزه داشتید و نوحه‌گری نمودید، آیا برای من هرگز روزه می‌داشتید؟<sup>۴</sup> و چون می‌خورید و چون می‌نوشید، آیا به جهت خود نمی‌خورید و برای خود نمی‌نوشید؟<sup>۵</sup> آیا کلامی را که *خد/وند* به واسطه انبیای سلف ندا کرد، هنگامی که اورشلیم مسکون و امن می‌بود و شهرهای مجاورش و جنوب و هامون مسکون می‌بود (نمی‌دانید؟)»

و کلام *خد/وند* بر زکریا نازل شده، گفت: «یهوه صبايوت امر فرموده، چنین می‌گوید: براستی داوری نمایید و با یکدیگر احسان و لطف معمول دارید.<sup>۶</sup> و بر بیوه زنان و یتیمان و غریبان و فقیران ظلم ننمایید و در دل‌های خود بر یکدیگر بدی میندیشید.<sup>۷</sup> اما ایشان از گوش گرفتن ابا نمودند و سرکشی کرده، گوش‌های خود را از شنیدن سنگین ساختند.<sup>۸</sup> بلکه دل‌های خویش را (مثل) الماس سخت نمودند تا شریعت و کلامی را که یهوه صبايوت به روح خود به واسطه انبیای سلف فرستاده بود نشنوند، بنابراین خشم عظیمی از جانب یهوه صبايوت صادر شد.<sup>۹</sup> پس واقع خواهد شد چنانکه او ندا کرد و ایشان نشنیدند، همچنان یهوه صبايوت می‌گوید ایشان فریاد خواهند برآورد و من نخواهم شنید.<sup>۱۰</sup> و ایشان را بر روی تمامی امت‌هایی که نشناخته بودند، به گردباد پراکنده خواهم ساخت و زمین در عقب ایشان چنان ویران خواهد شد که کسی در آن عبور و تردد نخواهد کرد. پس زمین مرغوب را ویران ساخته‌اند.»

و کلام یهوه صبايوت بر من نازل شده، گفت: <sup>۲</sup> «یهوه صبايوت چنین می‌فرماید: برای صهیون غیرت عظیمی دارم و با غضب سخت برایش غیور هستم. <sup>۳</sup> خد/وند چنین می‌گوید: به صهیون مراجعت نموده‌ام و در میان اورشلیم ساکن خواهم شد و اورشلیم به شهر حق و کوه یهوه صبايوت به کوه مقدس مسمی خواهد شد. <sup>۴</sup> یهوه صبايوت چنین می‌گوید: مردان پیر و زنان پیر باز در کوچه‌های اورشلیم خواهند نشست و هر یکی از ایشان به سبب زیادتی عمر عصای خود را در دست خود خواهد داشت. <sup>۵</sup> و کوچه‌های شهر از پسران و دختران که در کوچه‌هایش بازی می‌کنند، پر خواهد شد. <sup>۶</sup> یهوه صبايوت چنین می‌گوید: اگر این امر در این روزها به نظر بقیه این قوم عجیب نماید آیا در نظر من عجیب خواهد نمود؟ قول یهوه صبايوت این است.

<sup>۷</sup> «یهوه صبايوت چنین می‌گوید: اینک من قوم خود را از زمین مشرق و از زمین مغرب آفتاب خواهم رهاانید. <sup>۸</sup> و ایشان را خواهم آورد که در اورشلیم سکونت نمایند و ایشان قوم من خواهند بود و من براستی و عدالت خدای ایشان خواهم بود. <sup>۹</sup> یهوه صبايوت چنین می‌گوید: دستهای شما قوی شود، ای کسانی که در این ایام این کلام را از زبان انبیا شنیدید که آن در روزی که بنیاد خانه یهوه صبايوت را برای بنا نمودن هیکل نهادند، واقع شد. <sup>۱۰</sup> زیرا قبل از این ایام مزدی برای انسان نبود و نه مزدی به جهت حیوان؛ و به سبب دشمن برای هر که خروج و دخول می‌کرد هیچ سلامتی نبود و من همه کسان را به ضد یکدیگر واداشتم. <sup>۱۱</sup> اما الآن یهوه صبايوت می‌گوید: من برای بقیه این قوم مثل ایام سابق نخواهم بود. <sup>۱۲</sup> زیرا که زرع سلامتی خواهد بود و مو میوه خود را خواهد داد و زمین محصول خود را خواهد آورد و آسمان شبنم خویش را خواهد بخشید و من بقیه این قوم را مالک جمیع این چیزها خواهم گردانید. <sup>۱۳</sup> و واقع خواهد شد چنانکه شما ای خاندان یهودا و ای خاندان اسرائیل در میان امت‌ها (مورد) لعنت شده‌اید، همچنان شما را نجات خواهم داد تا (مورد) برکت بشوید؛ پس مترسید و دستهای شما قوی باشد. <sup>۱۴</sup> زیرا که یهوه صبايوت چنین می‌گوید: چنانکه قصد نمودم که به شما بدی برسانم حینی که پدران شما خشم مرا به هیجان آوردند و یهوه صبايوت می‌گوید که از آن پشیمان نشدم. <sup>۱۵</sup> همچنین در این روزها رجوع نموده، قصد خواهم نمود که به اورشلیم و خاندان یهودا احسان نمایم. پس ترسان مباشید. <sup>۱۶</sup> و این است کارهایی که باید بکنید: با یکدیگر راست گوید و در دروازه‌های خود انصاف و داوری سلامتی را اجرا دارید. <sup>۱۷</sup> و در دل‌های خود



برای یکدیگر بدی میندیشید و قسم دروغ را دوست مدارید، زیرا خداوند می گوید از همه این کارها نفرت دارم.»

<sup>۱۸</sup> و کلام یهوه صباپوت بر من نازل شده، گفت: <sup>۱۹</sup> «یهوه صباپوت چنین می گوید: روزه ماه چهارم و روزه ماه پنجم و روزه ماه هفتم و روزه ماه دهم برای خاندان یهودا به شادمانی و سرور و عیدهای خوش مبدل خواهد شد. پس راستی و سلامتی را دوست بدارید. <sup>۲۰</sup> یهوه صباپوت چنین می گوید: بار دیگر واقع خواهد شد که قومها و ساکنان شهرهای بسیار خواهند آمد. <sup>۲۱</sup> و ساکنان یک شهر به شهر دیگر رفته، خواهند گفت: بیایید برویم تا از خداوند مسألت نمایم و یهوه صباپوت را بطلبیم و من نیز خواهیم آمد. <sup>۲۲</sup> و قومهای بسیار و امتهای عظیم خواهند آمد تا یهوه صباپوت را در اورشلیم بطلبند و از خداوند مسألت نمایند. <sup>۲۳</sup> یهوه صباپوت چنین می گوید در آن روزها ده نفر از همه زبانهای امتها به دامن شخص یهودی چنگ زده، متمسک خواهند شد و خواهند گفت همراه شما می آییم زیرا شنیده ایم که خدا با شما است.»

**۹** وحی کلام خداوند بر زمین حدراخ (نازل می شود) و دمشق محل آن می باشد، زیرا که نظر انسان و نظر تمامی اسباط اسرائیل بسوی خداوند است. <sup>۲</sup> و بر حمات نیز که مجاور آن است و بر صور و صیدون اگر چه بسیار دانشمند می باشد. <sup>۳</sup> و صور برای خود ملاذی منیع ساخت و نقره را مثل غبار و طلا را مانند گل کوچهها انباشت. <sup>۴</sup> اینک خداوند او را اخراج خواهد کرد و قوتش را که در دریا می باشد، تلف خواهد ساخت و خودش به آتش سوخته خواهد شد. <sup>۵</sup> اشقلون چون این را بیند خواهد ترسید و غزه بسیار دردناک خواهد شد و عقرون نیز زیرا که اعتماد او خجل خواهد گردید و پادشاه از غزه هلاک خواهد شد و اشقلون مسکون نخواهد گشت. <sup>۶</sup> و حرامزادهای در اشدود جلوس خواهد نمود و حشمت فلسطینیان را منقطع خواهد ساخت. <sup>۷</sup> و خون او را از دهانش بیرون خواهیم آورد و رجاساتش را از میان دندانهایش؛ و بقیه او نیز به جهت خدای ما خواهد بود و خودش مثل امیری در یهودا و عقرون مانند یبوسی خواهد شد. <sup>۸</sup> و من گرداگرد خانه خود به ضد لشکر اردو خواهیم زد تا کسی از آن عبور و مرور نکند و ظالم بار دیگر از میان آنها گذر نخواهد کرد زیرا که حال به چشمان خود مشاهده نموده ام.

ای دختر صهیون بسیار وجد بنما و ای دختر اورشلیم آواز شادمانی بده! اینک پادشاه تو نزد تو می‌آید. او عادل و صاحب نجات و حلیم می‌باشد و بر الاغ و بر کره بچه الاغ سوار است. <sup>۱۰</sup> و من ارابه را از افرایم و اسب را از اورشلیم منقطع خواهم ساخت و کمان جنگی شکسته خواهد شد و او با امت‌ها به سلامتی تکلم خواهد نمود و سلطنت او از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای زمین خواهد بود. <sup>۱۱</sup> و اما من اسیران تو را نیز به واسطه خون عهد تو از چاهی که در آن آب نیست رها کردم. <sup>۱۲</sup> ای اسیران امید، به ملاذ منیع مراجعت نمایید. امروز نیز خبر می‌دهم که به شما (نصیب) مضاعف رد خواهم نمود. <sup>۱۳</sup> زیرا که یهودا را برای خود زه خواهم کرد و افرایم را تیرکمان خواهم ساخت و پسران تو را ای صهیون به ضد پسران تو ای یاوان خواهم برانگیخت و تو را مثل شمشیر جبار خواهم گردانید.

<sup>۱۴</sup> و خداوند بالای ایشان ظاهر خواهد شد و تیر او مانند برق خواهد جست و خداوند یهوه کرنا را نواخته، بر گردبادهای جنوبی خواهد تاخت. <sup>۱۵</sup> یهوه صبایوت ایشان را حمایت خواهد کرد و ایشان غذا خورده، سنگهای فلاخن را پایمال خواهند کرد و نوشیده، مثل از شراب نعره خواهند زد و مثل جامها و مانند گوشه‌های مذبح پر خواهند شد. <sup>۱۶</sup> و یهوه خدای ایشان ایشان را در آن روز مثل گوسفندان قوم خود خواهد رهانید زیرا که مانند جواهر تاج بر زمین او خواهند درخشید. <sup>۱۷</sup> زیرا که حسن و زیبایی او چه قدر عظیم است. گندم جوانان را و عصیر انگور دوشیزگان را خرم خواهد ساخت.

۱۰ باران را در موسم باران آخر از خداوند بطلبید. از خداوند که برقها را می‌سازد و او به ایشان باران فراوان هرکس در زمینش گیاه خواهد بخشید. <sup>۲</sup> زیرا که ترافیم سخن باطل می‌گویند و فالگیران رؤیاهای دروغ می‌بینند و خوابهای باطل بیان می‌کنند و تسلی بیهوده می‌دهند، از این جهت مثل گوسفندان آواره می‌باشند و از نبودن شبان ذلیل می‌گردند. <sup>۳</sup> خشم من بر شبانان مشتعل شده است و به بزهای نر عقوبت خواهم رسانید زیرا که یهوه صبایوت از گله خود یعنی از خاندان یهودا تفقد خواهد نمود و ایشان را مثل اسب جنگی جلال خود خواهد گردانید. <sup>۴</sup> از او سنگ زاویه و از او میخ و از او کمان جنگی و از او همه ستمکاران با هم بیرون

می‌آیند.<sup>۵</sup> و ایشان مثل جباران (دشمنان خود را) در گل کوچه‌ها در عرصه جنگ پایمال خواهند کرد و محاربه خواهند نمود زیرا *خداوند* با ایشان است و اسب سواران خجل خواهند گردید.

و من خاندان یهودا را تقویت خواهم کرد و خاندان یوسف را خواهم رهانید و ایشان را به امنیت ساکن خواهم گردانید، زیرا که بر ایشان رحمت دارم و چنان خواهند بود که گویا ایشان را ترک ننموده بودم، زیرا یهوه خدای ایشان من هستم؛ پس ایشان را اجابت خواهم نمود.<sup>۶</sup> و بنی‌افرایم مثل جباران شده، دل ایشان گویا از شراب مسرور خواهد شد و پسران ایشان چون این را بینند، شادی خواهند نمود و دل ایشان در *خداوند* وجد خواهد کرد.<sup>۷</sup> و ایشان را صدا زده، جمع خواهم کرد زیرا که ایشان را فدیة داده‌ام و افزوده خواهند شد، چنانکه در قبل افزوده شده بودند.

و ایشان را در میان قوم‌ها خواهم کاشت و مرا در مکان‌های بعید بیاد خواهند آورد و با پسران خود زیست نموده، مراجعت خواهند کرد.<sup>۸</sup> و ایشان را از زمین مصر باز خواهم آورد و از اشور جمع خواهم نمود و به زمین جلعاد و لبنان داخل خواهم ساخت و آن گنجایش ایشان را نخواهد داشت.<sup>۹</sup> و او از دریای مصیبت عبور نموده، امواج دریا را خواهد زد و همه ژرفیهای نهر خشک خواهد شد و حشمت اشور زایل خواهد گردید و عصای مصر نیست خواهد شد.<sup>۱۰</sup> و ایشان را در *خداوند* قوی خواهم ساخت و در نام او سالک خواهند شد. قول *خداوند* این است.

۱۱ ای لبنان درهای خود را باز کن تا آتش، سروهای آزاد تو را بسوزاند.<sup>۱</sup> ای صنوبر ولوله نما زیرا که سرو آزاد افتاده است (و درختان) بلند خراب شده. ای بلوطهای باشان ولوله نمایید زیرا که جنگل منیع افتاده است.<sup>۲</sup> صدای ولوله شبانان است زیرا که جلال ایشان خراب شده؛ صدای غرش شیران ژیان است زیرا که شوکت اردن ویران گردیده است.

یهوه خدای من چنین می‌فرماید که گوسفندان ذبح را بچران<sup>۳</sup> که خریداران ایشان آنها را ذبح می‌نمایند و مجرم شمرده نمی‌شوند و فروشندگان ایشان می‌گویند: *خداوند* متبارک باد زیرا که دولت‌مند شده‌ایم. و شبانان آنها برایشان شفقت ندارند.<sup>۴</sup> زیرا *خداوند* می‌گوید: بر ساکنان این زمین بار دیگر ترحم نخواهم نمود و اینک من هر کس از مردمان را به دست همسایه‌اش و به دست پادشاهش تسلیم خواهم نمود و زمین را ویران خواهند ساخت و از دست ایشان رهایی

نخواهم بخشید.<sup>۷</sup> پس من گله ذبح یعنی ضعیف‌ترین گله را چرانیدم و دو عصا برای خود گرفتم که یکی از آنها را نعمه نامیدم و دیگری را حبال نام نهادم و گله را چرانیدم.<sup>۸</sup> و در یک ماه سه شبان را منقطع ساختم و جان من از ایشان بیزار شد و جان ایشان نیز از من متنفر گردید.<sup>۹</sup> پس گفتم شما را نخواهم چرانید. آنکه مردنی است بمیرد و آنکه هلاک شدنی است هلاک شود و باقی‌ماندگان گوشت یکدیگر را بخورند.<sup>۱۰</sup> پس عصای خود نعمه را گرفته، آن را شکستم تا عهدی را که با تمامی قوم‌ها بسته بودم شکسته باشم.<sup>۱۱</sup> پس در آن روز شکسته شد و آن ضعیف‌ترین گله که منتظر من می‌بودند فهمیدند که این کلام *خد/وند* است.<sup>۱۲</sup> و به ایشان گفتم: اگر در نظر شما پسند آید مزد مرا بدهید والا ندهید. پس به جهت مزد من، سی پاره نقره وزن کردند.<sup>۱۳</sup> و *خد/وند* مرا گفت: آن را نزد کوزه‌گر بینداز، این قیمت گران را که مرا به آن قیمت کردند. پس سی پاره نقره را گرفته، آن را در خانه *خد/وند* نزد کوزه‌گر انداختم.<sup>۱۴</sup> و عصای دیگر خود حبال را شکستم تا برادری را که در میان یهودا و اسرائیل بود شکسته باشم.

<sup>۱۵</sup> و *خد/وند* مرا گفت: «بار دیگر آلات شبان احمق را برای خود بگیر.<sup>۱۶</sup> زیرا اینک من شبانی را در این زمین خواهم برانگیخت که از هالکان تفقد نخواهد نمود و گم‌شدگان را نخواهد طلبید و مجروحان را معالجه نخواهد کرد و ایستادگان را نخواهد پرورد بلکه گوشت فربهان را خواهد خورد و سمهای آنها را خواهد کند.<sup>۱۷</sup> وای بر شبان باطل که گله را ترک می‌نماید. شمشیر بر بازویش و بر چشم راستش فرود خواهد آمد و بازویش بالکل خشک خواهد شد و چشم راستش بکلی تار خواهد گردید.»

## ۱۲

و حی کلام *خد/وند* درباره اسرائیل. قول *خد/وند* است که آسمانها را گسترانید و بنیاد زمین را نهاد و روح انسان را در اندرون او ساخت. <sup>۱</sup> اینک من اورشلیم را برای جمیع قوم‌های مجاورش کاسه سرگیجش خواهم ساخت و این بر یهودا نیز حینی که اورشلیم را محاصره می‌کنند خواهد شد. <sup>۲</sup> و در آن روز، اورشلیم را برای جمیع قوم‌ها سنگی گران‌بار خواهم ساخت و همه کسانی که آن را بر خود بار کنند، سخت مجروح خواهند شد و جمیع امت‌های جهان به ضد او جمع خواهند گردید. <sup>۳</sup> *خد/وند* می‌گوید در آن روز من همه اسبان را به حیرت و سواران آنها را

به جنون مبتلا خواهم ساخت. و چشمان خود را بر خاندان یهودا باز نموده، همه اسبان قومها را به کوری مبتلا خواهم کرد.<sup>۵</sup> و سروران یهودا در دل خود خواهند گفت که ساکنان اورشلیم در خدای خود یهوه صبايوت قوت من می‌باشند. <sup>۶</sup> در آن روز سروران یهودا را مثل آتشدانی در میان هیزم و مانند شعله آتش در میان بافه‌ها خواهم گردانید و همه قوم‌های مجاور خویش را از طرف راست و چپ خواهند سوزانید و اورشلیم بار دیگر در مکان خود یعنی در اورشلیم مسکون خواهد شد. <sup>۷</sup> و *خد/وند* خیمه‌های یهودا را اول خواهد رهانید تا حشمت خاندان داود و حشمت ساکنان اورشلیم بر یهودا فخر ننماید. <sup>۸</sup> در آن روز *خد/وند* ساکنان اورشلیم را حمایت خواهد نمود و ضعیف‌ترین ایشان در آن روز مثل داود خواهد بود و خاندان داود مانند خدا مثل فرشته *خد/وند* در حضور ایشان خواهند بود. <sup>۹</sup> و در آن روز قصد هلاک نمودن جمیع امت‌هایی که به ضد اورشلیم می‌آیند، خواهم نمود.

<sup>۱۰</sup> و بر خاندان داود و بر ساکنان اورشلیم روح فیض و تضرعات را خواهم ریخت و بر من که نیزه زده‌اند خواهند نگریست و برای من مثل نوحه‌گری برای پسر یگانه خود، نوحه‌گری خواهند نمود و مانند کسی که برای نخست‌زاده خویش ماتم گیرد، برای من ماتم تلخ خواهند گرفت. <sup>۱۱</sup> در آن روز، ماتم عظیمی مانند ماتم هددرمون در همواری مجدون در اورشلیم خواهد بود. <sup>۱۲</sup> و اهل زمین ماتم خواهند گرفت هر قبیله علیحده، قبیله خاندان داود علیحده، و زنان ایشان علیحده، قبیله خاندان ناتان علیحده، و زنان ایشان علیحده. <sup>۱۳</sup> قبیله خاندان لای علیحده، و زنان ایشان علیحده، قبیله شمعی علیحده، و زنان ایشان علیحده، <sup>۱۴</sup> و جمیع قبایلی که باقی مانده باشند هر قبیله علیحده، و زنان ایشان علیحده.

## ۱۳

در آن روز برای خاندان داود و ساکنان اورشلیم چشمه‌ای به جهت گناه و نجاست مفتوح خواهد شد. <sup>۲</sup> و یهوه صبايوت می‌گوید در آن روز نامهای بتها را از روی زمین منقطع خواهم ساخت که بار دیگر آنها رایباد نخواهند آورد و انبیا و روح پلید را نیز از زمین دور خواهم کرد. <sup>۳</sup> و هر که بار دیگر نبوت نماید پدر و مادرش که او را تولید نموده‌اند، وی را خواهند گفت که زنده نخواهی ماند زیرا که به اسم یهوه دروغ می‌گویی. و چون نبوت نماید پدر و مادرش

که او را تولید نموده‌اند، وی را عرضه تیغ خواهند ساخت.<sup>۴</sup> و در آن روز هر کدام از آن انبیا چون نبوت می‌کنند، از رؤیاهای خویش خجل خواهند شد و جامه پشمین به جهت فریب دادن نخواهند پوشید.<sup>۵</sup> و هر یک خواهد گفت: من نبی نیستم، بلکه زرع کننده زمین می‌باشم زیرا که از طفولیت خود به غلامی فروخته شده‌ام.<sup>۶</sup> و او را خواهند گفت: این جراحات که در دستهای تو می‌باشد چیست؟ و او جواب خواهد داد: آنهایی است که در خانه دوستان خویش به آنها مجروح شده‌ام.  
<sup>۷</sup> یهوه صبايوت می‌گوید: «ای شمشیر به ضد شبان من و به ضد آن مردی که همدوش من است برخیز! شبان را بزن و گوسفندان پراکنده خواهند شد و من دست خود را بر کوچکان خواهم برگردانید.»

<sup>۸</sup> و خداوند می‌گوید که «در تمامی زمین دو حصه منقطع شده خواهند مرد و حصه سوم در آن باقی خواهد ماند.<sup>۹</sup> و حصه سوم را از میان آتش خواهم گذرانید و ایشان را مثل قال گذاشتن نقره قال خواهم گذاشت و مثل مصفی ساختن طلا ایشان را مصفی خواهم نمود و اسم مرا خواهند خواند و من ایشان را اجابت نموده، خواهم گفت که ایشان قوم من هستند و ایشان خواهند گفت که یهوه خدای ما می‌باشد.»

**۱۴** اینک روز خداوند می‌آید و غنیمت تو در میانت تقسیم خواهد شد.<sup>۲</sup> و جمیع امت‌ها را به ضد اورشلیم برای جنگ جمع خواهم کرد و شهر را خواهند گرفت و خانه‌ها را تاراج خواهند نمود و زنان را بی‌عصمت خواهند کرد و نصف اهل شهر به اسیری خواهند رفت و بقیه قوم از شهر منقطع نخواهند شد.<sup>۳</sup> و خداوند بیرون آمده، با آن قوم‌ها مقاتله خواهد نمود چنانکه در روز جنگ مقاتله نمود.<sup>۴</sup> و در آن روز پایهای او بر کوه زیتون که از طرف مشرق به مقابل اورشلیم است خواهد ایستاد و کوه زیتون در میانش از مشرق تا مغرب منشق شده، دره بسیار عظیمی خواهد شد و نصف کوه بطرف شمال و نصف دیگرش بطرف جنوب منتقل خواهد گردید.<sup>۵</sup> و بسوی دره کوههای من فرار خواهید کرد زیرا که دره کوهها تا به اصل خواهد رسید و شما خواهید گریخت، چنانکه در ایام عزیزا پادشاه یهودا از زلزله فرار کردید و یهوه خدای من خواهد آمد و جمیع مقدسان همراه تو (خواهند آمد).

و در آن روز نور (آفتاب) نخواهد بود و کواکب درخشانده، گرفته خواهند شد.<sup>۷</sup> و آن یک روز معروف *خد/وند* خواهد بود. نه روز و نه شب، اما در وقت شام روشنایی خواهد بود.<sup>۸</sup> و در آن روز، آبهای زنده از اورشلیم جاری خواهد شد (که) نصف آنها بسوی دریای شرقی و نصف دیگر آنها بسوی دریای غربی (خواهد رفت). در تابستان و در زمستان چنین واقع خواهد شد.<sup>۹</sup> و یهوه بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. در آن روز یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد.<sup>۱۰</sup> و تمامی زمین از جبع تا رمون که بطرف جنوب اورشلیم است متبدل شده، مثل عربی خواهد گردید و (اورشلیم) مرتفع شده، در مکان خود از دروازه بنیامین تا جای دروازه اول و تا دروازه زاویه و از برج حننیل تا چرخشت پادشاه مسکون خواهد شد.<sup>۱۱</sup> و در آن ساکن خواهند شد و دیگر لعنت نخواهد بود و اورشلیم به امنیت مسکون خواهد شد.

<sup>۱۲</sup> و این بلایی خواهد بود که *خد/وند* بر همه قومهایی که با اورشلیم جنگ کنند وارد خواهد آورد. گوشت ایشان درحالی که بر پایهای خود ایستاده باشند کاهیده خواهد شد و چشمانشان در حدقه گذاخته خواهد گردید و زبان ایشان در دهانشان کاهیده خواهد گشت.<sup>۱۳</sup> و در آن روز اضطراب عظیمی از جانب *خد/وند* در میان ایشان خواهد بود و دست یکدیگر را خواهند گرفت و دست هر کس به ضد دست دیگری بلند خواهد شد.<sup>۱۴</sup> و یهودا نیز نزد اورشلیم جنگ خواهد نمود و دولت جمیع امتهای مجاور آن از طلا و نقره و لباس از حد زیاده جمع خواهد شد.<sup>۱۵</sup> و بلای اسبان و قاطران و شتران و الاغها و تمامی حیواناتی که در آن اردوها باشند همچنان مانند این بلا خواهد بود.<sup>۱۶</sup> و واقع خواهد شد که همه باقی ماندگان از جمیع امتهایی که به ضد اورشلیم آیند، هر سال برخواهند آمد تا یهوه صبایوت پادشاه را عبادت نمایند و عید خیمه‌ها را نگاه دارند.<sup>۱۷</sup> و هر کدام از قبایل زمین که به جهت عبادت یهوه صبایوت پادشاه برنیایند، بر ایشان باران نخواهد شد.<sup>۱۸</sup> و اگر قبیله مصر برنیایند و حاضر نشوند بر ایشان نیز (باران) نخواهد شد. این است بلایی که *خد/وند* وارد خواهد آورد بر امتهایی که به جهت نگاه داشتن عید خیمه‌ها برنیایند.<sup>۱۹</sup> این است قصاص مصر و قصاص همه امتهایی که به جهت نگاه داشتن عید خیمه‌ها برنیایند.

<sup>۲۰</sup> و در آن روز بر زنگهای اسبان «مقدس *خد/وند*» (منقوش) خواهد شد و دیگرها در خانه *خد/وند* مثل کاسه‌های پیش مذبح خواهد بود.<sup>۲۱</sup> بلکه همه دیگرهایی که در اورشلیم و یهودا می‌باشد، مقدس یهوه صبایوت خواهد بود و همه کسانی که قربانی می‌گذرانند آمده، از آنها

خواهند گرفت و در آنها طبخ خواهند کرد و در آنوقت بار دیگر هیچ کنعانی در خانه یهوه  
صبایوت نخواهد بود.